

بررسی عوامل مؤثر در اعتیاد جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله شهر تهران،

براساس نظریه آگنیو

رضا عبدالرسولی*

چکیده

اعتیاد از جمله مسائل اصلی کشور محسوب می‌شود. به دلیل تعدد عوامل اعتیاد و پیچیدگی علل گرایش به آن، نظریه منسجمی در خصوص تبیین این عامل شکل نگرفته و به‌رغم اهمیت، نظریه‌های مطرح در این زمینه، از قابلیت تبیین بالایی برخوردار نیستند. نظریه آگنیو با طرح بحث متفاوت درباره منابع انحراف، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین هدف اصلی این پژوهش آزمون تجربی نظریه آگنیو و میزان توانمندی آن در تبیین اعتیاد است. براساس نظریه آگنیو، «فشار» عامل اصلی انحراف، از جمله اعتیاد است و این عامل منحصر به طبقه یا قشر خاصی نیست. به‌عبارت‌دیگر، منابع فشار ماهیت طبقاتی ندارد و هر فردی (بدون در نظر گرفتن اینکه به چه طبقه یا قشری منسوب باشد) در معرض فشار قرار دارد. آگنیو در پاسخ به اینکه چرا همه افراد تحت فشار به انحراف یا اعتیاد روی نمی‌آورند، مجموعه‌ای از عوامل مداخله‌گر (مانند دین‌داری، اعتمادبه‌نفس و...) را مطرح می‌کند که احتمال کشاننده شدن جوانان را به انحرافات از جمله اعتیاد تقلیل می‌دهد.

در این مطالعه ۳۷۴ نفر برای نمونه تحقیق برگزیده شدند که از این تعداد، ۱۸۵ نفر را معتادان و ۱۸۹ نفر دیگر را غیرمعتادان تشکیل می‌دهند. نتایج نشان می‌دهد که توزیع فشار در دو گروه معتادان و غیرمعتادان متفاوت است و روند معکوس دارد. بدین معنی که معتادان در مقایسه با غیرمعتادان بیشتر در معرض انواع فشار قرار دارند. با بررسی متغیرهای مداخله‌گر در دو گروه معتادان و غیرمعتادان به این نتیجه رسیدیم که توزیع این متغیرها در دو گروه معتاد و غیرمعتاد از تفاوت معنی‌داری برخوردار است؛ به‌عبارت‌دیگر، میزان اعتمادبه‌نفس و دین‌داری در گروه غیرمعتادان به مراتب بالاتر از گروه معتادان است.

کلیدواژه‌ها

اعتیاد، نظریه عام فشار، احساسات منفی، متغیرهای مداخله‌گر، دین‌داری، عزت‌نفس، انحراف.

* کارشناس ارشد رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه علامه طباطبائی و کارشناس گروه علوم اجتماعی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

مقدمه

در عصر حاضر به ندرت کشوری را می‌توان یافت که با مسئله مواد مخدر و اعتیاد شهروندان مواجه نباشد. دست‌اندرکاران مواد مخدر همواره سودهای کلانی را از تولید و توزیع آن به جیب می‌زنند و علی‌رغم عزم جهانی برای جلوگیری از ابتلای مردم به مواد مخدر، به نظر می‌رسد جامعه جهانی در این راستا کاملاً موفق نبوده است. برای مبارزه با اعتیاد، هم در سطح بین‌الملل و هم در سطح ملی، برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری، تلاش و تحقیقات بسیار بیشتری لازم است. تحقیق حاضر با بررسی عوامل مؤثر در اعتیاد در صدد است تا ریشه‌های علل اعتیاد جوانان را با رویکردی جدید بررسی کند.

طرح مسئله و اهمیت موضوع

جوانان فعال‌ترین و پویاترین نیروهای هر جامعه محسوب می‌شوند. حل مسائل کشور، تداوم پویایی آن و رسیدن به جامعه سالم و مطلوب نیازمند داشتن نیروهای سالم، بانشاط و فعال است. به همین منظور هر کشور سعی می‌کند در برنامه‌ریزی‌های کلان خود با سرمایه‌گذاری در ابعاد چهارگانه جامعه (نظام فرهنگی، نظام اجتماعی، نظام سیاسی و نظام اقتصادی) به پرورش نیروهای جوان و حفظ نشاط و شادابی آنها بپردازد و از این طریق ضمن جلوگیری از اختلال در کارکردهای جامعه، موجبات تداوم سلامت نسل‌های جامعه را فراهم کند. اعتیاد ضمن تهدید جدی سازنده‌ترین و پویاترین نیروهای جامعه یعنی جوانان، سلامت، انسجام و پیشرفت جامعه را نیز به خطر می‌اندازد و نظم‌های چهارگانه جامعه را، که در ادامه تشریح می‌شود، مختل می‌کند:

الف) فرهنگ (نظم فرهنگی): این نظام یکی از ابعاد چهارگانه تحلیلی پارسونز به‌شمار می‌رود که در آن، فرهنگ معادل اندیشه‌ها و ارزش‌هاست (چلبی، ۱۳۷۵: ۵۴). نهاد جامعه‌پذیری (فرهنگ) حوزه معرفت و تولید اندیشه‌هاست و کارکرد آن احیای

انگیزه‌های افراد و الگوهای فرهنگی است. نیروهای اخلاق و پویای جوان درآینده هر جامعه نقش مهمی ایفا می‌کنند. آنها با تصدی نقش‌های گوناگون و عهده‌دار شدن وظایف بزرگسالان، تداوم حیات جامعه را امکان‌پذیر می‌سازند. از طرفی، جامعه سالم به افراد شاداب، نیرومند و متفکر نیاز دارد تا بتواند به تنظیم و تنسيق امور خود بپردازد و مشکلات را از پیش‌رو بردارد. اعتیاد (به‌ویژه اعتیاد جوانان) با تخریب انگیزه‌ها و الگوهای مطلوب فرهنگی ضمن اختلال در تولید معرفت و علم، در تبعیت از هنجارها و الگوهای مطلوب فرهنگی اختلال ایجاد می‌کند و استمرار حیات جامعه را به خطر می‌اندازد.

ب) اجتماع (نظم اجتماعی): حوزه تعاملات عینی و کارکرد آن انسجام است. جوهره اصلی اجتماع «علقه اجتماعی و تعهدات مشترک و نسبتاً پایدار بین تعدادی کنشگر با پشتوانه تعاملاتی گرم توأم با سوگیری سنتی است» (همان: ۶۷). اعتیاد در حوزه تعاملات عینی اختلال ایجاد می‌کند و انسجام اجتماعی را بر هم می‌زند. اعتیاد نه تنها موجب بی‌اعتنایی به تعهدات ارزشی، اجتماعی، اقتصادی و تعهدات به اهداف جمعی می‌شود، بلکه در علقه ارتباطی فرد نیز اختلال ایجاد می‌کند که این امر منجر به برهم خوردن فهم روابط بین ذهنی، تنسيق اجتماعی محیط، بده‌بستان‌ها و علقه اجتماعی می‌شود. به عبارتی می‌توان گفت که اعتیاد نظم خانوادگی، نظم کاری، روابط با دوستان، آشنایان و تنظیم و تنسيق امور زندگی را مختل می‌کند و نتیجه آن اختلال در انسجام اجتماعی است.

ج) سیاست (نظم سیاسی): حوزه بسیج نیرو و قدرت برای تخصیص منابع در جهت اهداف جمعی است. دارن‌درف به نقل از پارسونز، قدرت را «ظرفیت» بسیج منابع جامعه برای تحصیل اهدافی که تعهد همگانی برای آنها به‌وجود آمده است، تعریف می‌کند (همان: ۷۳). اعتیاد با مصرف منابع و به‌کارگیری نیروهای جامعه برای بهبود وضع معتادان یا خانواده‌های آنها، مراکز نگهداری و بازپروری، مراکز درمانی، حفظ مرزها و جلوگیری از ورود مواد به داخل کشور، جلوگیری از توزیع مواد مخدر در داخل و

غیره، موجب اختلال در کارکرد نظام سیاسی کشور شده و مانع رسیدن به اهداف مطلوب و جمعی می‌شود.

د) اقتصاد (نظم اقتصادی): حوزه بهره‌برداری از منابع و دارای کارکرد انطباق است (ریتزر، ۱۳۷۳: ۲۳۰). اعتیاد، هزینه‌های زیادی را بر مردم تحمیل می‌کند و منابعی را که باید برای پیشامدهای خارجی و انطباق با محیط (برنامه‌ریزی، بهبود شرایط زندگی، بهبود وضعیت آموزش و پرورش و فعالیت‌های عمرانی و غیره) مصرف شود به خود جلب کرده و از این طریق کارکرد آن را مختل می‌کند.

پیشینه تحقیق

درباره اعتیاد با موضوعی که این پژوهش بدان پرداخته است، در کشور تحقیقی نشده است، از این رو برخی از تحقیقات مهمی که در سایر کشورها و براساس نظریه آگنیو انجام شده است به اجمال بررسی می‌شود.

الف) رابرت آگنیو^۱ و راسکین وایت^۲ به ترتیب از دانشگاه اموری^۳ و راتگرس^۴، تحقیقی با عنوان «بررسی تجربی نظریه عام فشار» به شرح ذیل انجام دادند: ۱. اطلاعات از یک نمونه ۱۳۸۰ نفری از نوجوانان نیوجرسی امریکا، در یک بررسی طولی به دست آمد و ۵۴۰ نفر از گروه اول مجدداً سه سال بعد مصاحبه شدند. نتایج نشان می‌دهد که میزان فشار، تأثیر نسبتاً اساسی در بزهکاری و مصرف مواد مخدر داشتند و اطلاعات به دست آمده از گروه دوم (۵۴۰ نفر از پاسخ‌گویانی که سه سال بعد مصاحبه شدند) و مقایسه آن با نمونه اول (نمونه ۱۳۸۰ نفری) نشان می‌دهد که عوامل تأثیرگذار در مصرف مواد مخدر و بزهکاری در این سه سال تغییر اندکی داشتند.

-
1. Robert Agnew
 2. Heler Raskin Withe
 3. Emory University
 4. Rutgers University

۲. تمرکز این تحقیق بیشتر بر روی مصرف مواد مخدر، مصرف الکل و بزهکاری بود و این فرضیه که متغیرهای فشار در بزهکاری و مصرف مواد مخدر تأثیر مثبت داشتند، تأیید شد. متغیرهای فشار در این تحقیق با پدیده‌های منفی و مشکلات زندگی، روابط منفی با بزرگسالان، منازعه با والدین، مسائل همسایگی، محبوبیت نداشتن نزد جنس مخالف، فشار شغلی و فشار مرتبط با پوشش ظاهری سنجیده شد و به جز سه مورد آخر (محبوبیت نزد جنس مخالف، فشار شغلی و فشار مرتبط با پوشش ظاهری) بقیه متغیرها رابطه قوی و معنی داری با بزهکاری و مصرف مواد مخدر داشتند. این فرضیه که متغیرهای «دوستان» و «خود کارآمدی»، متغیرهای مداخله‌گری است که فشار، بزهکاری و میزان مصرف مواد مخدر را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تأیید شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد وقتی که نوجوانان با دوستان بزهکار زیادی در تعامل باشند، فشارهای اجتماعی و روانی در سوق دادن رفتار بزهکارانه و مصرف مواد مخدر تأثیر قوی‌تری دارد، ضمن آنکه خودکارآمدی موجب کاهش تأثیر فشار در بزهکاری می‌شود (آگنیو و وایت، ۱۹۹۲: ۴۹۰-۴۷۵).

ب) برخی از ویژگی‌ها و نتایج مهم تحقیق بارون^۱، با عنوان «نظریه عمومی، جوانان خیابانی و جرم: بررسی نظریه بازبینی شده آگنیو» از قرار ذیل است: ۱. اطلاعات از نمونه‌ای ۴۰۰ نفری (۲۶۵ نفر مرد و ۱۳۵ نفر زن) و براساس چهار ویژگی (پاسخ‌گویان ۲۴ ساله و کمتر باشند، مدرسه را ترک کرده یا به اتمام رسانده باشند، به تازگی بیکار شده باشند و وقتشان را بدون داشتن جایی مشخص در مکان‌های عمومی بگذرانند یا در ۱۲ ماه اخیر در پناهگاه زندگی کنند) در ونکوور^۲ (سومین شهر بزرگ کانادا) از بین جوانان ۱۳ تا ۲۴ سال به دست آمده است؛ ۲. این تحقیق نشان می‌دهد که شکل خاصی از فشارهای اجتماعی مانند بدرفتاری احساسی، بدرفتاری جسمی، بی‌خانمانی و قربانی دزدی شدن، خشونت، محرومیت نسبی، بیکاری و نارضایتی اقتصادی، به ارتکاب جرم

1. Stephan Baron
2. Vancouver

و استفاده از موادمخدر منجر می‌شود و اینکه فشار، با گروه‌های همسالان، گرایش‌های مجرمانه، نسبت‌های ناروای بیرونی، اعتمادبه‌نفس و خودکارآمدی مرتبط است؛^۳ نتیجه نشان می‌دهد که همه انواع فشار مورد بررسی وقتی در تعامل با متغیرهای مداخله‌گر یا مشروط (مانند دین‌داری، خودکارآمدی و اعتمادبه‌نفس) قرار می‌گیرند به کاهش رفتار مجرمانه منجر می‌شوند؛^۴ و نکته آخر اینکه ۶ مورد از ۱۰ نوع فشار، رابطه معنی‌داری با خشم و مصرف مواد مخدر داشتند. این متغیرها عبارت‌اند از بدرفتاری احساسی، بدرفتاری فیزیکی، بدرفتاری جنسی، ضرب‌وجرح شدید، محرومیت نسبی و نارضایتی مالی (بارون، ۲۰۰۴: ۱-۳۰).

ج) جانگ و جانسون^۱ در مارس ۲۰۰۳، تحقیقی را روی یک نمونه ۲۱۰۷ نفری از سیاه‌پوستان امریکایی، به شیوه مطالعه مقطعی^۲ و نمونه‌گیری احتمالی انجام داده‌اند. در این تحقیق، فرضیه‌های مطرح‌شده (رابطه فشار و احساسات منفی با اعمال انحرافی) تأیید شدند. نتایج نشان می‌دهد که فشارهای اجتماعی، تأثیر مثبت و قوی در انحراف دارد. آن‌هایی که احساسات منفی‌شان به بیرون گرایش دارد (احساسات منفی برون‌سویه^۳) به احتمال بیشتر رفتار انحرافی‌شان به صورت پرخاشگری بروز می‌کند و آن‌هایی که احساسات منفی‌شان را متوجه درون خود می‌سازند (احساسات منفی درون‌سویه^۴) به احتمال بیشتر به سمت رفتار انحرافی مانند اعتیاد روی می‌آورند. از طرف دیگر، متغیرهای مداخله‌گر مانند اعتمادبه‌نفس، خودکارآمدی (کارایی فردی) و اعتقاد دینی موجب کاهش فشار بر احساسات منفی می‌شوند (جانگ و جانسون، ۲۰۰۳: ۷۹-۱۰۵).

-
1. Sung Joon Jang & Byron R. Johnson
 2. Cross Section
 3. Outer-Directed Emotion
 4. Inner-Directed Emotion

مبانی نظری تحقیق

نظریه آگنیو برابندی از نظریه‌های کلاسیک فشار (مرتون، کلووارد و اهلین و کوهن) است. این نظریه برای دامنه وسیعی از انحرافات اجتماعی، از جمله اعتیاد به مواد مخدر قابل استفاده است. گفتنی است که اعتیاد نوعی انحراف اجتماعی محسوب می‌شود؛ زیرا با «هنجارها یا مجموعه‌ای از هنجارهایی که مورد قبول اکثریت اعضای جامعه واقع شده در تعارض است» (کندال، ۲۰۰۰). از این رو مسئله اعتیاد در قالب نظریه‌های انحراف قابل طرح است، که در ادامه بررسی می‌شود.

آگنیو^۱ و اهمیت نظریه عام فشار: نظریه عام فشار آگنیو (۱۹۹۲) یکی از مهم‌ترین نظریه‌ها در حوزه جرم‌شناسی یا [انحرافات] در طول ده سال گذشته است. کار وی به‌منزله «توسعه نظریه فشار»^۲ و تکمیل کارهای پیشینیان تلقی می‌شود که موجب گسترش مفاهیم کلیدی و افزایش دقت در تبیین انحرافات اجتماعی شده است. برای مثال، نظریه وی به جای مربوط شدن به یک طبقه، در مورد همه طبقات اجتماعی کاربرد دارد. به‌علاوه، نظریه آگنیو با وارد کردن متغیرهای احساسی (مانند احساسات منفی) در مدل نظری خود، از نظریه‌های پیشین (کلاسیک) فشار متمایز است. نظریه آگنیو (۱۹۹۲) تحقیق پیرامون فشار را احیا و اهمیت و تأثیر آن را در احساسات منفی و همین‌طور انحراف نشان می‌دهد. در واقع نظریه عام فشار آگنیو (GST)^۳ با تعریف مجدد از مفهوم فشار، مشخص کردن احساسات منفی ناشی از فشار

۱. رابرت آگنیو (Robert Agnew) در اول دسامبر سال ۱۹۵۳ در آتلانتیک سیتی واقع در نیوجرسی متولد شد. در طول زندگی‌اش ابتدا در کالج نیو برونسویک (New Brunswick) نیوجرسی درجه دیپلم و در سال ۱۹۷۵ درجه لیسانس را اخذ کرد و سپس مطالعاتش را در دانشگاه کارولینای شمالی واقع در کابل هیل ادامه داد و در آنجا به اخذ مدرک کارشناسی ارشد و پس از آن نیز تا سال ۱۹۸۰ به درجه PhD نایل شد. آگنیو بیشتر ایده‌های را که در پایان‌نامه‌اش با عنوان «بازبینی نظریه فشار و رابطه آن با بزهکاری» در دانشگاه اموری (Emory) عرضه کرده بود گسترش داد. در طول دوران کارش در جامعه‌شناسی مقالات متعددی را درباره بهینه‌سازی نظریه فشار نوشته است (میشل کالینز، ۲۰۰۳: ۲) که این مبحث ترجمه مهم‌ترین مقالات وی است.

2. Elaboration Theory

3. General Strain Theory

در حکم منبع تحریک انحراف و وارد کردن عوامل شرطی (مداخله‌گر) در نظریه برای تبیین تفاوت‌های فردی در انطباق با فشار، به‌منزله توسعه مدل‌های سستی فشار (کلوارد و اوهلین، ۱۹۶۰؛ کوهن، ۱۹۵۵ و مرتون، ۱۹۳۸) تلقی می‌شود (جانگ و جانسون، ۲۰۰۳: ۸۱-۸۰).

نظریه عام فشار آگنیو

آگنیو فشار را به معنای روابط منفی یا نفرت‌انگیز با دیگران تعریف کرده است (آگنیو، ۱۹۹۲: ۶۰). روابط منفی با دیگران روابطی‌اند که دیگران آن‌گونه که فرد می‌خواهد با او رفتار شود، رفتار نمی‌کنند (همان: ۵۰). در نظریه آگنیو به سه نوع اصلی فشار اشاره شده است که هر یک با دیگری تفاوت دارد. (۱) روابط منفی‌ای که فرد را از رسیدن به یک هدف باارزش باز می‌دارد. (۲) روابط منفی‌ای که انگیزه باارزش را که متعلق به شخص است، خفه می‌کنند و یا شخص را تهدید به از بین بردن آن (انگیزه باارزش) می‌کنند [شخص را بی‌انگیزه می‌کنند] و (۳) روابط منفی‌ای که انگیزه ناخوشایندی را بر فرد تحمیل می‌کنند. این انواع اصلی فشار بدین منظور عرضه شده است که دامنه کاملی از پدیده‌های تنش‌زا را نشان دهند. در ادامه برای روشن‌تر شدن این مفاهیم بیشتر توضیح می‌دهیم.

● فشار به‌مثابه ناتوانی در دستیابی به اهداف باارزش

دست‌کم سه نوع فشار در این طبقه قرار می‌گیرد:

الف) فشار به‌مثابه فاصله بین آرزوها و دستاوردهای واقعی: نظریه‌های کلاسیک فشار مرتون، کوهن، کلوارد و اوهلین بحث کرده‌اند که نظام فرهنگی، هر فرد را تشویق می‌کند تا به اهداف ایدئال، موفقیت‌های پولی و منزلت‌های طبقه متوسط دست یابد. با وجود این، افراد طبقه پایین اغلب از دستیابی به چنین اهدافی از طریق راه‌های مشروع محروم‌اند. در این نظریه‌ها، فشار وارد به افراد (نوجوانان، جوانان و بزرگسالان) عموماً از لحاظ فاصله بین آرزوها (اهداف ایدئال و انتظارات) اندازه‌گیری می‌شود (آگنیو، ۱۹۹۲: ۵۲-۵۱).

ب) فشار به مثابه فاصله بین انتظارات و دستاوردهای واقعی: همان‌طور که در بالا اشاره شد نظریه‌های پیشین فشار در جرم‌شناسی، ناتوانی در دستیابی به اهداف ایدئال و دستاوردهای واقعی را به‌طور خاص بررسی کرده‌اند. این رهیافت بر فاصله بین انتظارات و دستاوردهای واقعی (پاداش‌ها) متمرکز است و به‌طور خاص بحث کرده است که انتظارات، از تجارب گذشته فرد یا از مقایسه فرد با مراجع دیگر یا دیگران ناشی می‌شود. ناتوانی در دستیابی به چنین انتظاراتی ممکن است به احساسات منفی، مانند غضب، خشم، تنفر، نارضایتی، نومیدی و بیماری منجر شود. به‌علاوه افراد به شدت برانگیخته می‌شوند که فاصله بین انتظارات و دستاوردها را با اعمال انحرافی تقلیل دهند. این مفهوم که عمدتاً در جرم‌شناسی مورد غفلت قرار گرفته است، به چند دلیل حائز اهمیت است:

اول اینکه فاصله بین انتظارات و دستاوردهای واقعی از نظر احساسی رنج‌آورتر از فاصله بین آرزوها و دستاوردهاست. آرزوها در تعریف، غالباً اهداف ایدئال‌اند. آن‌ها گاهی جنبه‌های آرمان‌شهری دارند و به این دلیل شکست در دستیابی به آرزوها، ممکن است جدی تلقی نشود؛ اما شکست در دستیابی به انتظارات احتمالاً جدی تلقی می‌شود، زیرا آن‌ها در واقعیت ریشه دارند. افراد چنین انتظاراتی را قبلاً تجربه، یا مشابه و مانند آن‌ها را در دیگران مشاهده کرده‌اند. دوم اینکه، انتظارات حاصل مقایسه اجتماعی است و مقایسه اجتماعی در شکل‌گیری انتظارات افراد، نقش محوری ایفا می‌کند.

ج) فشار به مثابه فاصله بین نتایج منصفانه یا به‌حق و نتایج واقعی: این مفهوم از ادبیات برابری و عدالت ناشی می‌شود و بحث دیگری را مطرح می‌کند. قوانین عدالت توزیعی مشخص می‌کنند که چگونه منابع باید توزیع شوند. در این قانون روابط عادلانه آن است که نسبت دستاوردها با درون‌داده‌ها برابر باشد. نتایج یا [دستاوردها] دامنه وسیعی از عواقب منفی و مثبت را دربرمی‌گیرد؛ درحالی‌که درون‌داده‌ها شامل هزینه‌های مثبت و

منفی فرد برای مبادله است. افراد، نتایج [به دست آمده] و درون داده‌های خود [هزینه‌ها] را با [دستاوردها و هزینه‌های] دیگران مقایسه می‌کنند. اگر در این مقایسه، نسبت‌ها (نسبت هزینه‌هایی که خود انجام می‌دهند، و نتایجی که به دست می‌آورند با هزینه‌هایی که دیگران انجام می‌دهند و نتایجی که به دست می‌آورند) با یکدیگر برابر باشد، آنها احساس می‌کنند که نتایج خوشایند یا عادلانه است. براساس دیدگاه نظریه پردازان عدالت، حتی اگر نتایج [این برابری] پایین هم باشد این [خوشایندی] صادق است. اگر نسبت نتایج با درون داده‌ها [یا هزینه‌ها] برابر نباشند، عاملان احساس می‌کنند که نتایج ناعادلانه است و این موجب فشار روانی بر آنها می‌شود.

● فشار به مثابه از بین رفتن انگیزه با ارزش در فرد

در منابع روان‌شناسی، پیرامون استرس^۱ و پرخاشگری اظهار می‌شود که فشار^۲ چیزی فراتر از تعقیب اهداف با ارزش است و اینکه بسته شدن راه دستیابی به هدف، پیش‌بینی‌کننده نسبتاً ضعیفی درباره پرخاشگری است، به‌ویژه وقتی که هدف از قبل تجربه نشده باشد (باندورا، ۱۹۳۷؛ زیلمن، ۱۹۷۹). از این مطالب مشخص می‌شود که در روان‌شناسی عمدتاً از تعقیب اهداف با ارزش در حکم یک منبع فشار غفلت شده است. برعکس، چنانچه پدیده‌های تنش‌زای زندگی را پیرامون انحرافات و پرخاشگری در روان‌شناسی بررسی کنیم، درمی‌یابیم که در خود این منابع پدیده‌هایی مانند از دست رفتن انگیزه با ارزش و تحمیل انگیزه منفی به مثابه منبع انحرافات مورد توجه و تأکید بوده است. علاوه بر این، مطالعه پیرامون فشار نوجوانان و جوانان نشان می‌دهد که فهرستی از پدیده‌های تنش‌زای زندگی مانند ازدست دادن دوست پسر، دوست دختر، مرگ یا بیماری شدید دوستان، انتقال به

1. Stress
2. Strain

مدرسه جدید، طلاق، جدایی از والدین، ناراحتی از مدرسه و تحمیل دامنه‌ای از شرایط بدکاری، به‌مثابه عوامل نابودکننده انگیزه‌های بارزش افراد و منبع انحرافات عمل کرده‌اند. بنابراین با توجه به منابع، نوع دوم فشار عبارت‌اند از: از بین رفتن انگیزه‌های بارزش در فرد. از دست رفتن انگیزه بارزش ممکن است به بزهکاری و انحراف منجر شود. وقتی که فرد سعی می‌کند مانع از دست رفتن انگیزه بارزش شود، یا انگیزه از دست‌رفته را بازسازی کند و یا به انگیزه‌ای جایگزین دست یابد، در صدد انتقام برمی‌آید و برای مقابله با کسانی که مسئول این اتفاق‌اند یا به تهاجم و یا به مقابله منفی، مانند مصرف مواد مخدر دست می‌زند (آگنیو، ۱۹۹۲: ۵۸).

● فشار به‌مثابه تحمیل انگیزه منفی

منابع جدید پیرامون پرخاشگری بر تحمیل انگیزه‌های منفی واقعی و انتظاری نیز متمرکز شده‌اند. به‌جز کار آگنیو (۱۹۸۵)، از این نوع از فشار در جرم‌شناسی غفلت شده است. حتی آگنیو نیز مستقیماً بر تحمیل انگیزه ناخوشایند [ناراحت‌کننده] متمرکز نشده، بلکه بر ناتوانی فرد در گریز قانونی از انگیزه ناخوشایند تأکید کرده است. با وجود این، اطلاعات بسیاری نشان می‌دهد حتی اگر امکان گریز قانونی از تحمیل انگیزه‌های منفی وجود داشته باشد، چنین انگیزه‌هایی به پرخاشگری و دیگر پیامدهای منفی در شرایط خاص منجر می‌شود. فرد در معرض انگیزه ناخوشایند [ناراحت‌کننده] ممکن است:

- (۱) در صدد گریز یا اجتناب از انگیزه منفی برآید؛ (۲) تلاش کند انگیزه منفی را [در خود] کاهش دهد یا پایان بخشد؛ (۳) در صدد انتقام از منبع انگیزه منفی یا اهداف مرتبط برآید؛ و (۴) پیامد آثار منفی را با مصرف غیرقانونی مواد مخدر برطرف کند.
- دامنه گسترده‌ای از تحمیل انگیزه ناخوشایند در منابع بررسی شده است و مطالعات مشاهده‌ای مشارکتی، پیمایشی و آزمایشی، ارتباط چنین انگیزه‌ای را با انحراف نشان

داده‌اند. قربانی رفتار مجرمانه شدن، تنبیهات بدنی، روابط منفی با والدین، روابط منفی با همسالان، تجارب منفی و ناخوشایند در مدرسه، دامنه وسیعی از پدیده‌های تنش‌زا در زندگی، تهدیدها و توهین‌های زبانی، ناخوشی‌های جسمانی و غیره از جمله عواملی‌اند که موجب تحمیل انگیزه ناخوشایند بر فرد می‌شوند.

در اطلاعات به‌دست‌آمده از یک مطالعه طولی (آگنیو، ۱۹۸۹)، آگنیو شواهدی را یافته است که نشان می‌دهد رابطه بین انگیزه منفی و انحراف، ناشی از تأثیر علی انگیزه منفی است تا تأثیر منفی بزهکاری در انحراف. بنابراین شواهد زیادی تحمیل انگیزه منفی یا ناخوشایند را سومین منبع اصلی فشار نشان داده‌اند (آگنیو، ۱۹۹۲: ۵۹ - ۵۸).

فرضیه‌های تحقیق

۱. فشار با انحراف، از جمله اعتیاد، رابطه دارد. بنابراین، فرضیه اول: میزان فشار در افراد منحرف و معتاد به مراتب بیشتر از غیرمعتادان است.
۲. فشار، احساسات منفی ایجاد می‌کند و این احساسات منفی با اعتیاد رابطه دارد. بنابراین، فرضیه دوم: میزان احساسات منفی در بین معتادان بیشتر از غیرمعتادان است. مصرف مواد مخدر راهی برای فائق شدن بر خشم و نفرت ناشی از فشارهاست.
۳. براساس تحقیقات انجام‌گرفته، افرادی که دچار احساسات منفی می‌شوند به دو صورت رفتار می‌کنند. دسته اول کسانی‌اند که احساسات منفی خود را به بیرون بروز می‌دهند و دسته دوم کسانی‌اند که احساسات منفی را متوجه خود می‌سازند.
- فرضیه سوم: آنهایی که احساسات منفی را متوجه خود می‌سازند بیشتر به مصرف مواد مخدر روی می‌آورند.
۴. مجموعه‌ای از عوامل مداخله‌گر، مانند دین‌داری^۱ و احترام به خود^۲، فشارهای ناشی از عوامل تنش‌زا را خنثی می‌کنند یا تقلیل می‌دهند و در نتیجه، افرادی که به

1. Religiosity
2. Self-Esteem

میزان بالاتری از این ویژگی‌ها برخوردارند، کمتر به انحراف (اعتیاد) روی می‌آورند؛ بنابراین، فرضیه چهارم: اگر میزان احترام به خود و اعتقاد مذهبی در افراد بالا باشد، در نتیجه آن‌ها کمتر به انحراف (اعتیاد) روی می‌آورند و بالعکس.

چارچوب نظری تحقیق

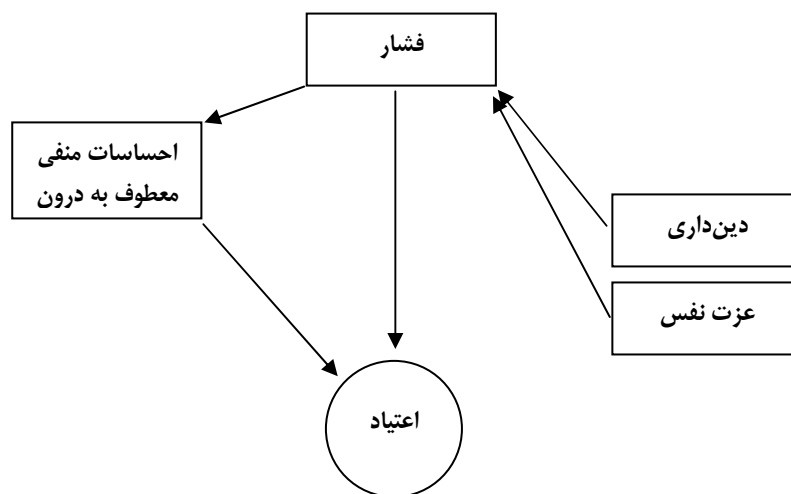
با توجه به مباحث مطرح شده، در این قسمت سعی می‌کنیم چارچوب نظری تحقیق را تدوین کنیم. اصل اساسی نظریه آگنیو این است که «فشار» عامل اساسی گرایش به انحراف و اعتیاد است و این عامل، منحصر به یک گروه، طبقه، یا جامعه خاص نیست و هر فردی به اقتضای وضعیت زندگی خود به نحوی در معرض فشار قرار دارد. طبق نظریه آگنیو، فشار به معنای رابطه منفی یا نفرت‌انگیز با دیگران در نظر گرفته شده است و این نکته نشان می‌دهد که آگنیو یک نظریه‌پرداز در حوزه روان‌شناسی اجتماعی است.

بر اساس نظریه آگنیو، متغیر مستقل را در این تحقیق «فشار» و متغیر وابسته را «اعتیاد» در نظر می‌گیریم. زیرا پژوهشگر بر اساس علایق تحقیقی خود به نوع خاصی از انحراف، یعنی اعتیاد علاقه‌مند است. بنابراین در این تحقیق رابطه بین فشار و اعتیاد بررسی می‌شود.

آگنیو معتقد است فشار به ایجاد احساسات منفی در افراد منجر می‌شود و این احساسات منفی با انحراف (اعتیاد) ارتباط دارد. علاوه‌براین، احساسات منفی به دو صورت در افراد بروز می‌کند: احساسات یا معطوف به درون است و یا معطوف به بیرون. طبق موارد مطرح شده، احساسات منفی در معتادان بیشتر «معطوف به درون» است. بنابراین بررسی رابطه بین احساسات منفی معطوف به درون و گرایش به اعتیاد، یکی دیگر از اجزای مدل نظری این تحقیق را تشکیل می‌دهد.

در پاسخ به این سؤال که چرا همه افراد تحت فشار به انحراف روی نمی‌آورند، آگنیو مجموعه‌ای از متغیرهای مشروط‌کننده یا مداخله‌گر^۱ را مطرح می‌کند و معتقد است این متغیرها با فشار رابطه تنگاتنگ دارند. به عبارت دیگر، متغیرهای مداخله‌گر به این سؤال پاسخ می‌دهند که چرا فقط بعضی از افراد تحت فشار، منحرف یا معتاد می‌شوند. بر این اساس متغیرهای دین‌داری و حرمت‌نفس به مثابه عوامل مشروط‌کننده در نظر گرفته شدند.

آگنیو از نظریه‌پردازانی که انحراف را به طبقه اجتماعی پیوند داده‌اند، انتقاد کرده و معتقد است انحراف نمی‌تواند ماهیتی طبقاتی داشته باشد، زیرا منابع فشار، پدیده‌های طبقاتی نیستند و در همه طبقات و قشرها به چشم می‌خورند. در ادامه با توجه به موارد فوق مدل نظری تحقیق را مطرح می‌کنیم.



شکل ۱: مدل نظری تحقیق براساس نظریه آگنیو
(چارچوب نظری تحقیق)

1. Conditioning Variables

روش‌شناسی تحقیق (تعریف مفاهیم، حجم نمونه و...)

تعریف عملیاتی مفاهیم

پس از تعریف نظری، مفاهیمی که نیاز به تعریف عملیاتی داشتند با گویه و سؤالات مرتبط با موضوع سنجیده شدند. برخی از مهم‌ترین مفاهیم و تعاریف مربوط به شرح ذیل است:

انحراف^۱: انحراف، رفتاری است که در مقابل هنجارهای غالب یک گروه یا جامعه معین قرار می‌گیرد. از دیدگاه جامعه‌شناختی، انحراف مفهومی اجتماعی است. به عبارت دیگر، اعمالی نیستند که ذاتاً غیرطبیعی و یا در گستره جهانی و در همه جوامع و زمان‌ها محکوم شده باشند، بلکه پدیده‌هایی بافتی و موقعیتی‌اند (تونی و جان، ۲۰۰۰: ۶۷)^۲. «در جامعه‌شناسی کلاسیک نیز غالباً «انحراف اجتماعی» را شیوه رفتاری در نظر گرفته‌اند که برخلاف وفاق جامعه است و آن را به عدم هم‌نوایی با هنجار یا مجموعه‌ای از هنجارهایی که مورد قبول اکثریت اعضای یک جامعه واقع شده است تعریف نموده‌اند» (کندل، ۲۰۰۰، نقل از احمدی، ۱۳۸۴: ۴). بنابراین اگر رفتار فرد خلاف هنجارها و ارزش‌هایی باشد که در فرهنگ عمومی جامعه تعریف شده است، از دیدگاه جامعه‌شناسی، انحراف اجتماعی تلقی می‌شود - بدون آنکه چنین رفتاری لزوماً به قانون‌شکنی منجر شود (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۴-۱۳).

اعتیاد^۳: «حالتی از مسمومیت دائم یا متناوب که با تداوم مصرف طبیعی یا مصنوعی مواد مخدر ایجاد می‌شود و در آن نیاز یا میل شدید (برای مثال اجبار) و... به افزایش مقدار مصرف و نشانه‌هایی از مقاومت، اجتناب و ترک وجود دارد که همیشه با وابستگی فیزیکی و روانی مصرف مواد همراه است» (دایرةالمعارف روان‌شناسی، ۱۹۶۶: ۱۲).

-
1. Deviance
 2. Tony & Joan
 3. Addiction

جوانی^۱: به نظر «مارگارت مید»^۲ (۱۹۷۸-۱۹۰۱)، انسان‌شناس معروف امریکایی، «دوره جوانی را می‌توان دوره «اگر، آیا» تعریف کرد، دوره‌ای که با دو ویژگی خاص مشخص می‌شود؛ انتظارات گسترده از یک سو و ناکامی‌های عمیق از سوی دیگر، دوره‌ای که هنوز دستیابی‌های اقتصادی، اجتماعی و روانی کامل نشده‌اند». دوره جوانی در دهه‌های گذشته برای بیشتر اقشار جامعه، به دلیل طولانی‌تر شدن دوره تحصیل و آموزش و پرورش، واقعیتی اجتماعی شده است (شفر، ۱۳۸۳: ۲۵-۲۴). با استعانت از تعاریف مذکور، مفهوم جوانی را به کلیه افراد ۱۳ تا ۲۹ سال اطلاق می‌کنیم.

فشار: «فشار»، متغیر مستقل اصلی این تحقیق است. آگنیو فشار را به معنای «روابط منفی یا نفرت‌انگیز با دیگران» تعریف کرده است. روابط منفی نیز روابطی‌اند که دیگران با فرد آن‌گونه که خود فرد دوست دارد با او رفتار شود، رفتار نمی‌کنند (آگنیو، ۱۹۹۲: ۶۰).

احساسات منفی^۳: علی‌رغم اهمیت این مفهوم در نظریه آگنیو، وی تعریف مشخصی از آن عرضه نکرده است. با وجود این، آگنیو و برخی محققان دیگر در بررسی مفهوم فشار، مصادیق عینی احساسات منفی ناشی از فشار را نیز برشمرده و نشان داده‌اند که منظورشان از این مفهوم چیست. احساسات عموماً از حالت‌های شدید ذهنی ناشی می‌شود. معمولاً درگیری در وقایع هیجان‌انگیز یا انرژی شدید، احساسات و هیجان‌ها را افزایش می‌دهد. احساسات مثبت‌اند یا منفی؛ متعجب‌شدن، شگفت‌زدگی، وجد یا شادی، غم و اندوه، نگرانی، خشم، ترس، دلهره (اضطراب) و گریه‌کردن از مصادیق مهم احساسات به‌شمار می‌روند. احساسات از ادراک ناشی می‌شوند و حالت‌های ذهنی را در واقع پدیده‌ها تعیین می‌کنند. آرنولد^۴ بحث کرده است که ارزیابی‌های ذهنی، پاسخ احساسی را تعیین می‌کند (کورسینی و آوریباخ، ۱۹۹۶)^۵.

-
1. Youth
 2. M. Mead
 3. Negative Emotions
 4. Arnold
 5. Corsini & Auerbach

دین‌داری: در یک تعریف می‌توان دین‌داری را نظام عملی مبتنی بر اعتقادات دانست که در قلمرو ابعاد فردی و اجتماعی از جانب پروردگار برای هدایت انسان‌ها در مسیر رشد و کمال فرستاده شده است و شامل، عقاید، باورها، نگرش‌ها و رفتارهاست که با هم پیوند داشته و یک جامعیت را برای فرد تدارک می‌بیند (اسماعیلی بهبهانی، ۱۳۸۱: ۱۵-۱۴). در تعریفی دیگر، دین‌دار کسی است که با آگاهی (اگرچه اندک) از اصول و شعایر یک دین، نظر و عمل پیروی از یک دین را اتخاذ کند، به نحوی که این پیروی، در زندگی اجتماعی و غیردینی او تأثیر گذارد (انوری، ۱۳۷۴: ۵۶).

احترام به خود: حرمت نفس، احساسات فرد به خود است؛ اینکه فرد به چه میزان خود را محترم می‌شمارد و قبول دارد. احترام به خود از لحاظ فردی ارزش و رقابتی است که افراد را با مفهوم خود مرتبط می‌کند. به نظر آبراهام مزلو، عزت نفس با جریان خودشکوفایی فرد مرتبط است (دایرةالمعارف روان‌شناسی، ۱۹۹۶). احترام به نفس، داوری انسان در مورد نفس خویش و ارزشیابی از خویشتن است. هر انسان زائیده یک برآورد و بازتاب یک ارزشیابی است. حرمت نفس در مجموع حس شرف نفس و اعتماد به نفس است که بر لیاقت شخص برای زیستن دلالت دارد (براندان، ۱۳۷۱: ۱۶۴-۱۶۱).

روش تحقیق

مقتضیات مسئله و امکانات عملی تحقیق تعیین می‌کند که هر پژوهشگر از چه روشی برای شناخت و تحقیق استفاده کند. روش مورد استفاده در این تحقیق، پیمایشی و از نوع علی - مقایسه‌ای است. این روش نوعی تحقیق کمی است که با مقایسه افرادی که واجد الگوی رفتاری یا ویژگی شخصی‌اند، با افراد فاقد آن ویژگی، در جستجوی کشف

علل بالقوه و تأثیرات آن‌هاست (گال و دیگران، ۱۳۸۳: ۶۵۶). روش مقایسه‌ای به این دلیل در تحقیق حاضر استفاده می‌شود که با بررسی ویژگی‌های مشابه بین معتادان و غیرمعتادان، وجوه افتراق آن‌ها را اندازه‌گیری کند و به بینشی درباره علل اعتیاد دست یابد.

جمعیت آماری، روش نمونه‌گیری، حجم نمونه و...

جمعیت آماری در این تحقیق از جوانان مرد ۱۴ تا ۲۹ سال شهر تهران تشکیل شده است. نمونه معتادان این تحقیق را کلیه جوانان ۱۴ تا ۲۹ سالی تشکیل می‌دهند که به منظور ترک اعتیاد به یکی از مراکز چهارگانه «خودمعرف» تهران (مجتمع شهید خوئینی‌ها در نازی‌آباد، مرکز شهید ملت‌دوست در بهارستان، مرکز شهید فامیلی در تهرانپارس و مرکز احیا و تندرستی در شهر ری) مراجعه کرده‌اند. به منظور مقایسه‌پذیر شدن جمعیت معتادان با غیرمعتادان، همگن‌سازی دو نمونه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برای نیل به این هدف، پس از مصاحبه با هر معتاد، از وی سؤال می‌شد که آیا از غیرمعتادان کسی را می‌شناسد که از نظر سن، محل سکونت، شرایط اجتماعی و اقتصادی با او مشابه باشد. معمولاً این‌گونه افراد در حین مراجعه به مراکز خودمعرف، همراه دارند. در صورتی که همراهان آنها در محدوده سنی ۱۴-۲۹ قرار داشتند و از سایر شرایط دیگر نیز برخوردار بودند (مشابهت در وضعیت اجتماعی، اقتصادی و...) از آنها نیز در گروه مقایسه، مصاحبه می‌شد. اما چنانچه فاقد همراه بودند، از آنها تقاضا می‌شد تا کسی را که بیش از همه به لحاظ وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سن به آنها شبیه است در مراجعه بعدی به این مراکز همراه خود بیاورند تا با آنها مصاحبه شود. بدین صورت دو گروه معتاد و غیرمعتاد در اختیار محقق قرار گرفت که از بیشترین مشابهت

برخوردار بودند. روش انتخاب نمونه معتادان، نمونه‌گیری در دسترس و انتخاب گروه غیرمعتادان تقریباً شبیه انتخاب نمونه به روش نمونه‌گیری گلوله برفی است.

حجم نمونه

حجم نمونه در پرتو امکانات موجود و بنابه توصیه صاحب‌نظران، ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد که پس از تکمیل پرسشنامه‌ها و بازبینی مجدد، پرسشنامه‌های دارای پاسخ‌های غیرواقعی را حذف و از این میان، ۱۸۵ نفر از معتادان و ۱۸۹ نفر از غیرمعتادان وارد تحلیل شدند. بنابراین در مجموع ۳۷۴ پرسشنامه انتخاب و اطلاعات آن تجزیه و تحلیل شدند.

ابزار گردآوری اطلاعات: با توجه به اهداف تحقیق و الزامات نظری، در این پژوهش از پرسشنامه ساخت‌یافته^۱ استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

توصیف متغیرها

ترکیب سنی: دامنه تغییرات سنی جمعیت نمونه، ۱۴ تا ۲۹ سال است. میانگین سنی ۲۳/۰۳ و میانه آن ۲۳/۶۸ سال است؛ انحراف معیار این توزیع ۳/۲۵ و اشتباه استاندارد میانگین آن نیز ۰/۱۶۸ است. در این نمونه افراد ۲۵ سال با ۱۵ درصد از بیشترین فراوانی و افراد دارای ۲۹ سال با ۴/۸ درصد، از کمترین فراوانی برخوردارند. برای داشتن تصویری روشن‌تر از ترکیب سنی نمونه، افراد را به لحاظ سنی و به تفکیک معتاد و غیرمعتاد به سه گروه سنی ۱۴-۱۸، ۱۹-۲۳ و ۲۴-۲۹ تقسیم و در جدول ۱ گزارش کردیم.

جدول ۱: توزیع پاسخ‌گویان (معتاد و غیرمعتاد) بر حسب سن

جمع		سن						متغیر زمینه‌ای متغیرهای وابسته	
		۲۴-۲۹		۱۹-۲۳		۱۴-۱۸			
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۴۹/۹	۱۸۵	۲۸/۳	۱۰۵	۱۸/۶	۶۹	۳	۱۱	معتاد	
۵۰/۱	۱۸۶	۲۴/۵	۹۱	۱۸/۶	۶۹	۷	۲۶	غیرمعتاد	
۱۰۰	۳۷۱	۵۲/۸	۱۹۶	۳۷/۲	۱۳۸	۱۰	۳۷	کل	
۰/۸	۳	-						مفقوده	
Mean = ۲۳/۰۳		Max = ۲۵							
Median = ۲۳/۶۸		Min = ۲۹							
Standard error = ۳/۲۵									
Standard error of mean = ۱/۶۸									

• انواع مواد مصرفی، مدت زمان، سابقه و اولین ماده مصرفی

بر اساس گزارش جدول شماره ۲ (جدول صفحه بعد)، دامنه مصرف مواد مخدر، متنوع و در حال افزایش است. مصرف تریاک با ۴۵/۹ درصد از بیشترین فراوانی و ال.اس.دی با ۱/۶ درصد از کمترین فراوانی برخوردار است. هرئین با ۲۸/۶ درصد، کراک با ۱۵/۱ درصد، شیره با ۱۰/۸ درصد، آیس^۱ یا شیشه با ۱۰/۳ درصد، حشیش با ۱۰/۳ درصد و مرفین با ۲/۷ درصد، به ترتیب پس از تریاک از بیشترین فراوانی برخوردارند. ۴/۳ درصد از معتادان نیز در کنار انواع ذکر شده مواد مخدر، سایر مواد (انواع توهم‌زاها و غیره) را مصرف می‌کردند. همان‌طور که در جدول ۲ گزارش شده است، مصرف پنج نوع ماده مخدر، در مجموع رقم ۱۰/۷ درصد مواد مصرفی

1. Ice

مصرف‌کنندگان را تشکیل می‌دهد. نکته قابل تأمل در جدول مذکور آن است که تعداد و به تبع آن فراوانی درصدی مصرف‌کنندگان از ۱۸۵ نفر یا ۱۰۰ درصد بیشتر و به ترتیب رقم ۲۴۰ نفر و ۱۲۹/۷ درصد گزارش شده است. این امر نشان می‌دهد مصرف‌کنندگان از بیش از یک ماده مصرفی استفاده می‌کنند.

جدول ۲: توزیع پاسخ‌گویان برحسب نوع ماده مصرفی

تجمعی		درصد	تعداد	متغیرهای وابسته
درصد	تعداد			
۴۵/۹	۸۵	۴۵/۹	۸۵	تریاک
۷۴/۵	۱۳۸	۲۸/۶	۵۳	هروئین
۸۹/۶	۱۶۶	۱۵/۱	۲۸	کراک
۱۰۰/۴	۱۸۶	۱۰/۸	۲۰	شیره
۱۱۰/۷	۲۰۵	۱۰/۳	۱۹	آیس (شیشه)
۱۲۱	۲۲۴	۱۰/۳	۱۹	حشیش
۱۲۳/۷	۲۲۹	۲/۷	۵	مرفین
۱۲۵/۳	۲۳۱	۱/۶	۳	ال. اس. دی
۱۲۹/۷	۲۳۹	۴/۴	۸	سایر
۱۲۹/۷	۲۴۰	۱۲۹/۷	۲۴۰	جمع

طبق جدول مذکور ۲۹/۷ درصد معتادان در کنار مصرف ماده اصلی خود از مواد دیگر نیز استفاده می‌کنند.

● سابقه مصرف معتادان برحسب ماه

جدول ۳، مدت زمانی را که معتادان مواد مصرف می‌کنند برحسب ماه به تصویر کشیده است. سابقه مصرف ۳۷/۳ درصد معتادان بین ۱ تا ۱۲ و ۲۴/۹ درصد آنها

بین ۱۲/۱ تا ۳۶/۱ ماه گزارش شده است. همچنین مدت زمان مصرف ۳۷/۸ درصد معتادان نیز بین ۳۶/۲ تا ۱۶۰ ماه است. همان طور که اشاره شد، سابقه مصرف ۳۷/۳ درصد پاسخ گویان کمتر از ۱۲ ماه گزارش شده است. این نکته نشان می دهد که بیش از یک سوم معتادان ظرف مدت یکسال اخیر و کمتر به اعتیاد گرایش پیدا کرده اند. در مجموع، سابقه مصرف ۶۲/۲ درصد پاسخ گویان بین ۱ ماه تا ۳۶ ماه است. با توجه به جوان بودن نمونه این تحقیق و نظر به درصد افرادی که سابقه مصرف پایین دارند، به این نتیجه مهم می رسیم که احتمال خطر جوانان در معرض ابتلا به مواد مخدر بسیار زیاد است و احتمالاً روند افزایشی نیز خواهد داشت.

جدول ۳: سابقه مصرف مواد بر حسب ماه

فراوانی		سابقه مصرف مواد بر حسب ماه	
درصد	تعداد		
۳۷/۳	۶۹	پایین	۱-۱۲
۲۴/۹	۴۶	متوسط	۱۲/۱-۳۶/۱
۳۷/۸	۷۰	بالا	۳۶/۲-۱۶۰
۱۰۰	۱۸۵	جمع	
Mean = ۴۱/۹ Median = ۳۳ Mode = ۱۲ Std.Error of mean = ۲/۸		Min = ۱ Max = ۱۵۰ Std.Deviation = ۳۷/۸	

• اولین ماده مصرفی

اطلاعات جدول ۴ نشان می دهد که ۵۲/۴ درصد پاسخ گویان، اولین ماده مصرفی خود را تریاک اعلام کرده اند که از بیشترین فراوانی برخوردار است. ۰/۵ درصد نیز

اولین ماده مصرفی خود را شیره اعلام کردند که از کمترین فراوانی برخوردار است. پس از تریاک، مصرف حشیش با ۳۹/۵ درصد، هروئین با ۴/۹ درصد، شیره، آیس و کراک هر کدام با ۲/۷ درصد، به ترتیب از بیشترین فراوانی برخوردارند. ۳/۸ درصد پاسخ‌گویان سایر مواد را اولین ماده مصرفی خود اعلام کردند. ملاحظه می‌کنیم که تعداد پاسخ‌گویان بیش از ۱۸۵ نفر و ۱۰۰ درصد است. این ارقام نشان می‌دهد که بعضی از پاسخ‌گویان بیش از یک نوع ماده را در اولین مصرفشان تجربه کرده‌اند.

جدول ۴: توزیع معتادان برحسب اولین ماده مصرفی

فراوانی		اولین ماده مصرفی
درصد	تعداد	
۵۲/۴	۹۷	تریاک
۲/۷	۵	شیره
۰/۵	۱	مرفین
۳۹/۵	۷۳	حشیش
۰	۰	ال.اس.دی
۲/۷	۵	آیس
۲/۷	۵	کراک
۳/۸	۷	سایر
۱۰۹/۲	۲۰۲	جمع

بررسی روابط بین متغیرها

جدول ۵ توزیع پاسخ‌گویان را برحسب شاخص فشار نشان می‌دهد. پژوهشگر، قبل از گزارش جدول فوق، از نرمال بودن آن اطمینان حاصل کرده است. با توجه به این

توضیحات، جدول ۷ را تجزیه و تحلیل می‌کنیم. گزارش جدول حاکی از آن است که ۳۶/۱ درصد پاسخ‌گویان از نمره «پایین» برخوردارند، که ۱۳/۹ درصد آن را معتادان و ۲۲/۲ درصد دیگر را غیرمعتادان تشکیل می‌دهند. ۵۴/۳ درصد پاسخ‌گویان نیز از نمره «متوسط» برخوردارند (۲۷/۸ درصد معتاد و ۲۶/۵ درصد غیرمعتاد). نمره فشار ۹/۶ درصد پاسخ‌گویان نیز «بالا» گزارش شده است که ۷/۸ درصد آن را معتادان و ۱/۸ درصد دیگر را غیرمعتادان تشکیل می‌دهند.

همان‌طور که از جدول ۵ برمی‌آید، توزیع نمره‌های دو گروه معتاد و غیرمعتاد روند معکوس دارد. بدین معنی که درصد معتادانی که از نمره‌های پایین فشار برخوردارند از غیرمعتادان به مراتب کمتر است (۱۳/۹ درصد معتاد در مقابل ۲۲/۲ درصد غیرمعتاد). درحالی‌که این نسبت در نمره‌های بالا معکوس است. به عبارت دیگر، ۷/۸ درصد معتادان از نمره‌های بالای فشار برخوردارند که این رقم در غیرمعتادان ۱/۹ درصد است. اگر نمره‌های متوسط پاسخ‌گویان را در نظر بگیریم، این نسبت تقریباً بین دو گروه به‌طور مساوی توزیع شده است. چنانچه نمره‌های متوسط و بالای فشار پاسخ‌گویان را با هم ترکیب کنیم به نکته مهم دیگری می‌رسیم و آن اینکه نمره‌های فشار بیش از ۶۳/۹ درصد پاسخ‌گویان از متوسط به بالاست، که ۳۵/۵ درصد آن را معتادان و ۲۸/۴ درصد دیگر را غیرمعتادان تشکیل می‌دهند. از این نکته می‌توان استنباط کرد که اولاً بین معتادان و غیرمعتادان در میزان فشار تفاوت معنی‌داری وجود دارد و ثانیاً پاسخ‌گویان اعم از معتاد و غیرمعتاد تحت تأثیر فشارهای نسبتاً بالا قرار دارند. از این گفته‌ها در مجموع به این نتیجه می‌رسیم که احتمال کشانده شدن افراد به اعتیاد در اثر فشارها، قوی و معنی‌دار است.

آماره V کرامرز با ضریب ۰/۲۳۵ و $Sig = ۰/۰۰۰$ نشان‌دهنده تفاوت معنی‌دار بین دو گروه است. X^2 با ۲۰/۶۴۶ و درجه آزادی ۳، در سطح $Sig = ۰/۰۰۰$ معنی‌دار است که

بررسی عوامل مؤثر در اعتیاد جوانان ... ■ ۱۰۳

نشان می‌دهد که نتایج به دست آمده تصادفی نیست. بنابراین نتیجه می‌گیریم که H_0 یا فرضیه مقابل، رد و H_1 یا فرضیه تحقیق تأیید شده است.

جدول ۵: توزیع فشار بین دو گروه معتاد و غیرمعتاد

فشار									
جمع		۲۶/۲-۳۷/۴		۱۴/۶-۲۶/۱		۳-۱۴/۵		دامنه فشار	
		بالا		متوسط		پایین		سطح فشار	
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	متغیر وابسته	
۴۹/۵	۱۸۵	۷/۸	۲۹	۲۷/۸	۱۰۴	۱۳/۹	۵۲	معتاد	
۵۰/۵	۱۸۹	۱/۸	۷	۲۶/۵	۹۹	۲۲/۲	۸۳	غیرمعتاد	
۱۰۰	۳۷۴	۹/۶	۳۶	۵۴/۳	۲۰۳	۳۶/۱	۱۳۵	کل	
Cramer's V = ۰/۲۳۵					Sig = ۰/۰۰۰				
$X^2 = ۲۰/۶۴۶$					Df = ۳				
Sig = ۰/۰۰۰									

● رابطه بین احساسات منفی ناشی از فشار و اعتیاد

گزارش جدول ۶ حاکی از آن است که دامنه احساسات منفی ناشی از فشار، بین ۵ (کمترین درجه فشار) تا ۲۵ (بالاترین درجه فشار) در تغییر است. در مجموع، نمره ۹/۶ درصد پاسخ‌گویان پایین گزارش شده است که ۱/۹ درصد آن را معتادان و ۷/۸ درصد دیگر را غیرمعتادان تشکیل می‌دهند. ۴۱/۷ درصد پاسخ‌گویان نیز از احساسات منفی نمره متوسط گرفته‌اند، که ۱۴/۴ درصد آن معتاد و ۲۷/۳ درصد غیرمعتادان و ۴۸/۷ درصد پاسخ‌گویان نیز از احساسات منفی بالا برخوردارند، که ۳۳/۲ درصد را معتادان و ۱۵/۵ درصد را غیرمعتادان تشکیل می‌دهند.

توزیع فراوانی درصدی احساسات منفی در دو گروه معتادان و غیرمعتادان نشان‌دهنده تفاوت معنی‌دار بین دو گروه است. همان‌طور که در جدول مشخص است، از مجموع ۹/۶ درصد پاسخ‌گویان دارای نمره «پایین»، ۷/۸ را غیرمعتادان تشکیل می‌دهند، در حالی که این رقم برای معتادان ۱/۹ است. این بدان معنی است که درصد غیرمعتادان برخوردار از احساسات منفی «پایین»، از معتادان به مراتب بیشتر است. همین‌طور اگر درصدهای دو گروه را در نمره‌های «بالا» ملاحظه کنیم، متوجه می‌شویم که این رقم در گروه معتادان بیش از دو برابر گروه غیرمعتادان است. از این سخن نتیجه می‌گیریم که معتادان به مراتب بیشتر از غیرمعتادان (بیش از دو برابر) از احساسات منفی «بالا» برخوردارند.

نکته قابل تأمل دیگر در این جدول، ارقام مربوط به نمره «متوسط» است. ملاحظه می‌کنیم رقم مربوط به غیرمعتادان (۲۷/۲ درصد) تقریباً دو برابر رقم معتادان (۴/۴ درصد) است. این سخن بدان معنی است که درصد بالایی از پاسخ‌گویان غیرمعتاد احساسات منفی دارند. اگر این ارقام را با ارقام کل جدول در نظر بگیریم، به این مطلب مهم می‌رسیم که اولاً بیشتر پاسخ‌گویان نمونه تحقیق (۹۰/۴)، در مجموع از احساسات منفی «متوسط و بالا» برخوردارند که ۴۷/۶ آن را معتادان و ۴۲/۸ را غیرمعتادان تشکیل می‌دهند، و ثانیاً این ارقام در دو گروه معتاد و غیرمعتاد نسبت معکوس دارند. به عبارت دیگر، علی‌رغم بالا بودن میزان احساسات منفی در بین دو گروه مذکور، شدت احساسات منفی در بین معتادان به مراتب بیشتر از غیرمعتادان است؛ زیرا توزیع فشار در نمره بالا در گروه معتادان به مراتب بیشتر از غیرمعتادان است.

تأیید صحت این مطالب، با آماره‌های مرتبط با سطح سنجش نیز آزمون شد. آماره V کرامرز با ضریب ۰/۳۷۳ در سطح $Sig = ۰/۰۰۰$ حاکی از رابطه مثبت و معنی‌دار بین

بررسی عوامل مؤثر در اعتیاد جوانان ... ■ ۱۰۵

احساسات منفی و اعتیاد است. آماره X^2 نیز با رقم $۵۲/۱۱۱$ و $df = ۳$ نشان می‌دهد آماره مذکور تصادفی نبوده و در سطح $Sig = ۰/۰۰۰$ معنی‌دار است. بنابراین نتیجه می‌گیریم که H_0 یا فرضیه مقابل، رد و H_1 یا فرضیه تحقیق، که مبین رابطه بین احساسات منفی و اعتیاد است، تأیید شده است.

جدول ۶: توزیع احساسات منفی ناشی از فشار بین دو گروه معتاد و غیرمعتاد

احساسات منفی									
جمع		۱۸/۶-۲۵		۱۱/۸-۱۸/۵		۵-۱۱/۷		دامنه احساسات منفی	
		بالا		متوسط		پایین		سطح فشار	
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	متغیر وابسته	
۴۹/۵	۱۸۵	۳۳/۲	۱۲۴	۱۴/۴	۵۴	۱/۹	۷	معتاد	
۵۰/۵	۱۸۹	۱۵/۵	۵۸	۲۷/۳	۱۰۲	۷/۸	۲۹	غیرمعتاد	
۱۰۰	۳۷۴	۴۸/۷	۱۸۲	۴۱/۷	۱۵۶	۹/۶	۳۶	کل	
Cramer's V = ۰/۳۷۳					Sig = ۰/۰۰۰				
$X^2 = ۵۲/۱۱۱$					Df = ۳				
Sig = ۰/۰۰۰									

● رابطه بین دین‌داری (بعد عملی) و اعتیاد

با اجرای تحلیل عاملی^۱، دین‌داری پاسخ‌گویان به دو بعد عملی و بعد نظری تقسیم شده است. در جدول ۷، رابطه بین دین‌داری (بعد عملی) و اعتیاد را بررسی کردیم. نمره دین‌داری پاسخ‌گویان، بین ۴ (پایین‌ترین) و ۲۰ (بالا‌ترین نمره) در تغییر است که به

منظور تحلیل دقیق‌تر، آن را به سه نمره «پایین»، «متوسط» و «بالا» تقسیم کردیم. در جدول ۷، نمره ۲۵/۳ درصد پاسخ‌گویان «پایین» گزارش شده است که از این تعداد، ۱۶/۸ درصد آن را معنادان و ۸/۵ درصد دیگر را غیرمعنادان تشکیل می‌دهند. ۳۷/۴ درصد پاسخ‌گویان نیز نمره متوسط دریافت کرده‌اند که ۱۶ درصد آن را معنادان و ۲۱/۴ درصد دیگر را غیرمعنادان تشکیل می‌دهند. نمره دین‌داری ۳۷/۳ پاسخ‌گویان، «بالا» گزارش شده است که ۱۵/۶ درصد آن را معنادان و ۲۱/۷ درصد دیگر را غیرمعنادان تشکیل می‌دهند. ۶/۲ درصد پاسخ‌گویان نیز به این سؤالات پاسخ نگفته‌اند و به عبارت دیگر، داده‌ها مفقوده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین میزان دین‌داری پاسخ‌گویان در دو گروه وجود دارد. همان‌طور که در جدول ۷ گزارش شده است، اگر فراوانی درصدی نمره‌های متوسط و بالا را با هم جمع کنیم، نسبت تفاوت‌ها بین دو گروه بارزتر می‌شود. در مجموع، ۳۱/۶ معنادان از گویه‌های دین‌داری، نمره متوسط و بالا دریافت کرده‌اند، در حالی که این رقم برای غیرمعنادان ۴۳/۱ درصد گزارش شده است. از طرف دیگر، فراوانی درصدی معنادان در نمره «پایین» دین‌داری به مراتب بیشتر از غیرمعنادان است.

این نتیجه نشان می‌دهد نوع رابطه معکوس است، یعنی هر قدر میزان دین‌داری پاسخ‌گویان بیشتر باشد، میزان گرایش به اعتیاد آنها کمتر است و بالعکس. آماره V^2 کرامرز با ضریب ۰/۲۱۷ و $Sig=0/000$ ، بیانگر معنی‌دار بودن رابطه مذکور است. آماره X^2 با ضریب ۱۷/۶۶۱ و $Sig=0/000$ نشان می‌دهد که تفاوت یادشده در دو گروه تصادفی نیست. در مجموع، یافته‌های این جدول نشان می‌دهد هر چه دین‌داری (پایندی عملی افراد به دستورات دینی) بیشتر باشد، احتمال گرایش به اعتیاد تقلیل می‌یابد. بنابراین نتیجه می‌گیریم که H_0 یا فرضیه مقابل، رد و H_1 یا فرضیه تحقیق تأیید شده است.

جدول ۷: توزیع میزان دین‌داری بین (بعد عملی) دو گروه معتاد و غیرمعتاد

دین‌داری								
جمع	۱۴/۸-۲۰		۹/۴-۱۴/۷		۴-۳/۹		رتبه	
	بالا		متوسط		پایین			
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	متغیر وابسته
۴۸/۴	۱۷۰	۱۵/۶	۵۵	۱۶	۵۶	۱۶/۸	۵۹	معتاد
۵۱/۶	۱۸۱	۲۱/۷	۷۶	۲۱/۴	۷۵	۸/۵	۳۰	غیرمعتاد
۱۰۰	۳۵۱	۳۷/۳	۱۳۱	۳۷/۴	۱۳۱	۲۵/۳	۸۹	کل
۶/۲	۲۳	۰/۸	۳	۲/۷	۱۰	۲/۷	۱۰	مفقوده
Cramer's V = ۰/۲۱۷			Sig = ۰/۰۰۰					
X ² = ۱۷/۶۶۱			Df = ۳					
Sig = ۰/۰۰۰								

● رابطه بین دین‌داری و اعتیاد (بعد اعتقادی)

جدول ۸، میزان باور و اعتقاد نظری پاسخ‌گویان به خداوند را نشان می‌دهد. این جدول نشان می‌دهد که ۳/۲ درصد پاسخ‌گویان خداوند را آفریننده جهان نمی‌دانند و در نتیجه نمره پایین دریافت کرده‌اند. درصدهای مربوط به این نمره به نسبت مساوی ۱/۶ درصد بین دو گروه توزیع شده است. ۵/۶ درصد پاسخ‌گویان نیز در آفرینندگی جهان توسط خداوند تردید دارند و تا اندازه‌ای این صفت خداوند را پذیرفته‌اند و بنابراین نمره متوسط گرفته‌اند. ۹۱/۲ درصد پاسخ‌گویان نیز خداوند را خالق جهان می‌دانند و به وجود او اعتقاد کامل دارند. توزیع نسبتاً مساوی ارقام در دو گروه معتاد و غیرمعتاد نشان می‌دهد که بین دو گروه در بعد اعتقادی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. آماره V کرامرز با ضریب ۰/۰۷۹ درصد و در سطح معنی‌داری Sig = ۰/۳۱۴ بیانگر رابطه بین بعد اعتقادی دین‌داری و گرایش به اعتیاد است. آزمون X² نیز با ۲/۳۶۲ و درجه آزادی ۲ در سطح معنی‌داری Sig = ۰/۳۱۴ نشان می‌دهد که رابطه فوق معنی‌دار نیست.

از این مطلب چند نکته مهم استنباط می‌شود:

اولاً بین دو گروه معتاد و غیرمعتاد تفاوت معنی‌داری از نظر اعتقاد به خداوند وجود ندارد. ثانیاً نمره‌های بالای افراد در بعد اعتقادی در مقایسه با عامل اول که بعد عملی دین‌داری را می‌سنجد، نشان‌دهنده تفاوت معنی‌دار در رفتار عملی و نظری پاسخ‌گویان است. نظرات پاسخ‌گویان (اعم از معتاد و غیرمعتاد) در بعد نظری و اعتقادی، مشابه اما در بعد عملی، متفاوت است. به عبارت دیگر، پاسخ‌گویان خداوند را آفریننده جهان می‌دانند، اما دستوراتش چنان‌که باید درونی نشده است تا در همه ابعاد زندگی فرد نمود کند. از این نتایج استنباط می‌شود که در بررسی رابطه بین دین‌داری و پدیده‌های گوناگون باید به این نکته مهم و ظریف توجه شود.

جدول ۸: توزیع میزان دین‌داری (بعد اعتقادی) بین دو گروه معتاد و غیرمعتاد

دین‌داری							
جمع	۳/۸-۵		۲/۴-۳/۷		۱-۲/۳		رتبه متغیر وابسته
	بالا		متوسط		پایین		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
۴۹/۵	۱۸۵	۴۶	۱۷۲	۱/۹	۷	۱/۶	۶
۵۰/۵	۱۸۹	۴۵/۲	۱۶۹	۳/۷	۱۴	۱/۶	۶
۱۰۰	۳۷۴	۹۱/۲	۳۴۱	۵/۶	۲۱	۳/۲	۱۲
Cramer's V = ۰/۰۷۹				Sig = ۰/۳۱۴			
X ² = ۲/۳۶۲				Df = ۲			
Sig = ۰/۳۱۴							

• رابطه بین احترام به خود و اعتیاد

جدول ۹ میزان احترام به خود یا عزت‌نفس پاسخ‌گویان را بررسی می‌کند. احترام به خود، در واقع احساسات فرد به خود و میزان پذیرش خود است. اطلاعات نشان می‌دهد که ۳۹/۶ درصد پاسخ‌گویان از احترام به خود پایین برخوردارند که توزیع این

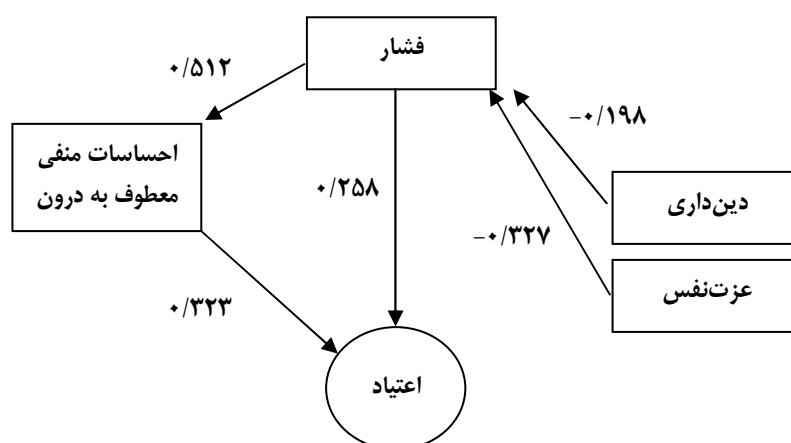
رقم در گروه معتادان ۲۶/۷ درصد و در گروه غیرمعتادان ۱۲/۸ درصد است. نمره احترام به خود ۴۳ درصد پاسخ‌گویان متوسط گزارش شده است، که ۱۸/۲ درصد آن را معتادان و ۲۴/۹ درصد دیگر را غیرمعتادان تشکیل می‌دهند. ۱۷/۴ درصد پاسخ‌گویان نیز از نمره احترام به خود بالا برخوردارند که ۴/۵ درصد آن را معتادان و ۱۲/۸ درصد دیگر را غیرمعتادان تشکیل می‌دهند. ارقام مندرج در جدول ۹ به روشنی تفاوت میزان احترام به خود را در بین دو گروه نشان می‌دهد. اگر فراوانی درصدی نمره‌های را در دو گروه معتاد و غیرمعتاد ملاحظه کنیم، متوجه می‌شویم که اولاً توزیع نمره‌های بین دو گروه معکوس و ثانیاً میزان احترام به خود برای معتادان در نمره‌های متوسط و بالا، از غیرمعتادان به مراتب کمتر گزارش شده است. به عبارت دیگر، بیشتر معتادان در مقایسه با غیرمعتادان از احترام به خود کمتری برخوردارند. آماره V کرامرز با ضریب ۰/۳۱۴ و سطح معنی‌داری $Sig = ۰/۰۰۰$ ، تفاوت معنی‌داری را بین دو گروه نشان می‌دهد. آزمون X^2 نیز با ۳۶/۸۹۸ و درجه آزادی ۳ نشان می‌دهد که تفاوت بین دو گروه تصادفی نیست. بنابراین نتیجه می‌گیریم که H_0 یا فرضیه مقابل، رد و H_1 یا فرضیه تحقیق، که مبین رابطه بین اعتماد به نفس و اعتیاد است، تأیید شده است.

جدول ۹: توزیع میزان احترام به خود بین دو گروه معتاد و غیرمعتاد (عامل اول)

احترام به خود								سطح فشار متغیر وابسته
جمع		۹/۲-۱۲		۶/۱-۹/۱		۳-۶		
		بالا		متوسط		پایین		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۴۹/۵	۱۸۵	۴/۵	۱۷	۱۸/۲	۶۸	۲۶/۷	۱۰۰	معتاد
۵۰/۵	۱۸۹	۱۲/۸	۴۸	۲۴/۹	۹۳	۱۲/۸	۴۸	غیرمعتاد
۱۰۰	۳۷۴	۱۷/۴	۶۵	۴۳	۱۶۱	۳۹/۶	۱۴۸	کل
Cramer's V = ۰/۳۱۴		Sig = ۰/۰۰۰		Sig = ۰/۰۰۰				
$X^2 = ۳۶/۸۹۸$		Df = ۳						

تحلیل چند متغیری

در این مبحث سعی می‌شود فرضیه‌های تحقیقی را که تاکنون بررسی شده است، یک بار دیگر با رگرسیون چندمتغیره تجزیه و تحلیل شود. رگرسیون چندمتغیره روشی است برای تحلیل مشارکت جمعی و فردی دو یا چند متغیر مستقل (Xi) در تغییرات متغیر وابسته یا Y (کرلینجر، ۱۳۸۴: ۳۸۴).



همان‌طور که از نمودار برمی‌آید، مدل فوق در واقع مؤید فرضیه‌های مطرح در مبحث ۴ (مبانی نظری تحقیق) است. ارقام مندرج در کنار پیکان‌ها، بتاهای^۱ روابط را نشان می‌دهد. نتایج مبین این است که اولاً به ازای یک واحد فشار و احساسات منفی به ترتیب $+0.258$ و $+0.323$ واحد تأثیر در احتمال کشانده شدن افراد به اعتیاد وجود دارد. همچنین فشار، منبع مهم و مؤثر در ایجاد احساسات منفی است. دین‌داری و عزت‌نفس پاسخ‌گویان هم به ترتیب با -0.198 و -0.327 تأثیر کاهنده در فشار دارند. به عبارت دیگر، هرچه عزت‌نفس و دین‌داری پاسخ‌گویان بیشتر باشد، کمتر تحت تأثیر فشارها که عامل اساسی و مهم ابتلا به اعتیادند، قرار می‌گیرند و این یافته نشان می‌دهد که تقویت عزت‌نفس و دین‌داری می‌تواند در جلوگیری از کشانده شدن افراد به اعتیاد عامل مهم و تأثیرگذار باشد.

1. Beta

نتیجه‌گیری

نظریه آگنیو یکی از نظریه‌های جدید و مهم در حوزه انحرافات اجتماعی به‌شمار می‌آید که به تبیین رفتارهای انحرافی جوانان و نوجوانان برآمده است. آگنیو معتقد است که عامل اصلی انحراف نوجوانان و جوانان، «فشار» است و فشار را به معنی رابطه منفی و نفرت‌انگیز با دیگران تعریف کرده است. روابط منفی، روابطی است که آن‌گونه که فرد تمایل دارد با او رفتار شود، اتفاق نمی‌افتد و این امر زمینه بروز انحراف را در نوجوانان و جوانان فراهم می‌کند، که اعتیاد نیز یکی از انواع آن (انحرافات) به‌شمار می‌رود. بنابراین زمینه بروز انحرافات را باید در روابط منفی با دیگران جستجو کرد که ممکن است این روابط منفی در خانواده، رابطه با دوستان، محیط کار، مقایسه‌های اجتماعی، محرومیت نسبی و غیره اتفاق بیفتد. این مسائل به قشر یا طبقه خاصی اختصاص ندارد و زمینه بروز و ظهور آن در همه طبقات یا قشرهای اجتماعی وجود دارد و به همین دلیل نظریه وی برای همه طبقات یا قشرهای اجتماعی کاربرد دارد. پژوهشگر با استعانت از نظریه آگنیو، علل اعتیاد نوجوانان و جوانان را بررسی کرده و نتایج به‌دست‌آمده از اطلاعات حاکی از تأیید فرضیه‌هاست. نتایج نشان می‌دهد که اولاً تعداد زیادی از نوجوانان و جوانان (۳۷/۳) در یک سال اخیر به اعتیاد مبتلا شده‌اند، که این رقم قابل‌ملاحظه‌ای است؛ ثانیاً فشار و احساسات منفی با اعتیاد رابطه دارد و هرچه نوجوانان و جوانان بیشتر متحمل فشار و احساسات منفی شوند، احتمال کشانده شدن آنان به اعتیاد بیشتر می‌شود. آگنیو در پاسخ به این سؤال که چرا همه افراد تحت فشار و احساسات منفی به اعتیاد مبتلا نمی‌شوند، مجموعه‌ای عوامل مداخله‌گر را وارد مدل نظری خود کرده است، که در این تحقیق از «اعتمادبه‌نفس» و «دین‌داری» به‌مثابه عوامل مداخله‌گر استفاده شده است. روابط نشان می‌دهد که اعتمادبه‌نفس و دین‌داری با اعتیاد رابطه منفی داشته است؛ به عبارت دیگر، هرچه میزان اعتمادبه‌نفس و پایبندی عملی پاسخ‌گویان به دستورات دینی بیشتر بوده است، افراد کمتر به اعتیاد مبتلا شده‌اند.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- احمدی، حبیب (۱۳۸۴)، *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: سمت.
- اسماعیلی بهبهانی، منیژه (۱۳۸۰)، «بررسی رابطه بین دین‌داری و سعادتمندی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران.
- براندان، ناتانیل (۱۳۷۱)، *روان‌شناسی حرمت نفس*، ترجمه اقبال هاشمی.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نی.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۳)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، تهران: انتشارات علمی.
- سرایی، حسن (۱۳۷۲)، *مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق*، تهران: سمت.
- شفرز، برنهارد (۱۳۸۳)، *مبانی جامعه‌شناسی جوانان*، ترجمه کرامت‌الله راسخ، تهران: نی.
- کرلینجر، فردان (۱۳۸۴)، *رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری (با اضافات و تجدید نظر)*، ترجمه حسن سرائی، چ ۱، تهران: سمت.
- گال، مردیت و دیگران (۱۳۸۳)، *روشهای تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ترجمه احمدرضا نصر و دیگران، تهران: سمت، ج ۱.

ب) منابع لاتین

- Agnew, Robert & Helen Raskin White (1992), An Empirical Test of General Strain Theory, *Criminology*, Vol.30, No.4.
- Agnew, Robert (1985), "A Revised Strain Theory of Delinquency", *University of North Carolina press*.

- ----- (1992), "Foundation for a General Strain Theory of Crime and Delinquency", *Criminology*, Vol.30, No. 4.
- Baron, Stephen W. (2004), "General Strain, Street Youth and Crime: A Test of Agnew's Revised Theory", *Criminology*, Vol.24, issue 2 .
- Bernard, T. J. (1990), "Angry Aggression Among the Truly Disadvantaged", *Criminology*, 28: 73-96.
- Corsini J. Raymond, and Alan .Auer Bach (1996), *Concise Encyclopedia of Psychology*, 2nded, USA: John Wiley & sons.
- Hastings James & John A. Selbie (2003), *Encyclopedia of Religion*, Vol.20, New York: Charles Scribners Sons.
- Joon Jang, Sung & Byron R. Jonson (2003), "Strain, Negative Emotions, and Deviant Coping Among African Americans: A test of General strain Theory", *Journal of Criminology* , Vol.19, No.1. March.
- Karen, Michelle Collins (2003); "Anomic and Strain Theory"; *International Encyclopedia of Justice Studies*.
- Law son, Tong & Johan Garro D. (2001), *Dictionary of Sociology*, Chicago: Fitzrog Dearborn.
- <http://www.doit now.org /web stuff>.
- <http://www.street drugs.Org/crack.htm>.